

عملکرد بخش خارجی اقتصاد در سال ۱۳۸۷

آمنه خوشبخت *

چکیده: کشور ایران به عنوان اقتصاد صادرکننده نفت که بخش عمده درآمدهای ارزی آن از محل صادرات نفت خام تأمین می‌شود، در معرض آسیب پذیری شدید از محل نوسان‌های قیمت نفت قرار دارد. اوضاع اقتصاد جهان در سال ۱۳۸۷، متأثر از بحران بزرگ اقتصاد آمریکا که از بخش مسکن شروع شده بود و به سرعت به سایر اقتصادها سرایت کرد، به شدت آشفته بود. اولین و مهمترین کانال تأثیر پذیری اقتصاد ایران از محل نوسان‌های قیمت نفت بود که موجب تغییر اجزای اصلی تراز پرداخت‌ها شد. به منظور تحلیل عملکرد بخش خارجی اقتصاد، عملکرد مهمترین اجزای موازنه پرداخت‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش روند رابطه مبادله گمرکی بررسی شد. همچنین ارزش واقعی دلار و یورو به عنوان شاخص رقابت پذیری محاسبه و تحلیل گردید.

بر اساس آمار مقدماتی سال ۱۳۸۷، به دنبال افزایش شدید قیمت نفت در نیمه اول سال، حساب کالا در نتیجه فزونی رشد صادرات کالا بر واردات از مازاد بر خوردار شد. حساب جاری نیز تحت تأثیر مازاد حساب کالا، مازاد حساب انتقالات و کسری حساب خدمات و درآمد از مازاد بر خوردار شد. حساب سرمایه و مالی در نتیجه عملکرد اجزای کوتاه مدت و بلندمدت این حساب با کسری مواجه شد.

برآیند عملکرد حساب‌های مذکور موجب شد تا علی‌رغم رکود حاکم بر اقتصاد جهانی به ذخایر بین‌المللی کشور افزوده شود. رابطه مبادله گمرکی کشور نیز در نتیجه رشد بیشتر ارزش واحد کالاهای صادراتی در مقایسه با کالاهای وارداتی بهبود یافت، همچنین روند تضعیف ارزش واقعی دلار و یورو در برابر ریال در سال مذکور تداوم یافت.

۱. مقدمه

یکی از مهمترین وقایع اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۸، وقوع بحران مالی فراگیر بود که نخستین نشانه‌های آن از آگوست ۲۰۰۷ از اقتصاد آمریکا شروع شد. همزمان با تأخیر در بازپرداخت وام‌های مسکن درجه دو، شرکت‌ها و مؤسسات مالی آمریکا یکی پس از دیگری دچار مشکل شدند. ابتدا چند بانک و مؤسسه مالی معتبر آمریکایی با وضعیت نامناسب نقدینگی و عدم ایفای تعهدات مواجه شدند که به تبع خود، موجی زنجیروار از نگرانی و اضطراب را به بازارهای مالی سرایت دادند. در این بحران، بانک‌های

سرمایه‌گذاری و مؤسسات معتبر مالی و بیمه‌ای، باز یگروزیان کننده اصلی بودند.

به تبع فرورفتن بزرگترین و مؤثرترین نهادهای مالی اقتصاد آمریکا در بحران، مؤسسات و نهادهای مشابه در دیگر کشورهای پیشرفته و اقتصادهای باز نیز دچار مشکل و بحران شدند. سرعت سرایت بحران چنان وسیع بود که بسیاری از دیدگاه‌های نظری و علمی قوی و حاکم بر دهه‌های اخیر را با چالش مواجه ساخت.

رشد حباب گونه قیمت مسکن در آمریکا، اعطای وام رهنی به افراد کم اعتبار با نرخ بهره شناور و اهمال در رعایت استانداردهای وامدهی، ضعف روش‌های سنجش ریسک اعتباری بانک‌ها و مؤسسات مالی و نسبت‌های اهرمی بالا، عدم به کارگیری روش‌های مناسب رتبه بندی با توجه به پیچیدگی ابزارهای مشتقه مالی در نتیجه افزایش شدید ریسک اعتباری، عدم توجه کافی به ریسک‌داری‌ها و اوراق بهادار از مهمترین ریشه‌های وقوع و تعمیق بحران بود.

در ابتدا تصور می‌شد که بحران به دلیل کمبود نقدینگی به وجود آمده است، لذا در ابتدا بانک‌های مرکزی تصمیم گرفتند تا برای حل مسئله کمبود نقدینگی، سیاست‌های انبساط پولی اتخاذ نمایند و نرخ‌های بهره را بیش از پیش کاهش دهند تا بدین ترتیب قدرت وامدهی سیستم بانکی افزایش یابد. از سوی دیگر، زمانی که بحران عمق پیدا کرد و آثار آن نمایان شد، دولت‌ها به بررسی و حل مسئله مؤسسات مالی به صورت مورد به مورد پرداختند؛ به نحوی که برای هر مؤسسه مالی، راه حل خاص مربوط به آن اعمال شد. در بعضی موارد ادغام‌هایی صورت گرفت و بعضی دیگر با توجه به مشکلات بسیار حاد، مؤسسات مالی به مالکیت دولت درآمدند. راه حل دیگر ضمانت سیستم بانکی توسط دولت بود.

سرایت کساد بازاری مستغلات و مسکن به دیگر بخش‌های اقتصاد این کشور و بالا بودن قیمت‌های اولیه سوخت و مشتقات نفتی نگرانی تعمیق بحران را بیش از پیش افزایش داد. تنزل ارزش‌داری‌ها و انقباض در پرداخت وام، سطح مصرف را کاهش داد و رکود فراگیر بخش مسکن سبب از دست رفتن صدها هزار فرصت شغلی در بخش‌های بانکداری، مبادله املاک و صنایع مرتبط با بخش مسکن آمریکا شد. ایران نیز همانند دیگر اجزای اقتصاد جهانی از نابسامانی‌های اقتصاد جهانی در امان نماند. اگرچه برخی تحلیل‌های خوش بینانه میزان آسیب‌پذیری اقتصاد کشور را به دلیل ارتباط ضعیف نهادهای مالی با بازارهای بین‌المللی ناچیز می‌پنداشتند، لیکن گسترش دامنه و شدت بحران سبب شد اقتصاد

ساختار نهادی از طریق تنظیم قوانین و مقررات تسهیل کننده تجارت و ساختار اقتصادی از طریق تغییر توان کشور در تولید و عرضه طیف وسیعی از کالاهای قابل رقابت با استانداردهای بین‌المللی نقش تعیین کننده بر حجم تجارت دارند

از نظر ارزش، گروه کالاهای صنعتی با ۱۴۳۱۲ میلیون دلار، بیشترین ارزش صادرات گمرکی را به خود اختصاص داده‌اند و پس از آن گروه کالاهای سنتی و کشاورزی با ۳۰۶۰ میلیون دلار در رتبه دوم قرار دارد

کشور به طور معنی داری از بحران تأثیر پذیرد. مهمترین کانال سرایت بحران به اقتصاد ایران از ناحیه کاهش قیمت نفت بود. کاهش قیمت نفت موجب کاهش درآمدهای ارزی و در نتیجه تغییر اجزای اصلی تراز پرداختها در نیمه دوم سال شد. هدف این مقاله، ارائه تصویری از عملکرد بخش خارجی اقتصاد کشور در سال ۱۳۸۷ بر اساس آمارهای مقدماتی می باشد.

در بخش اول مقاله عملکرد بازرگانی خارجی مورد بررسی قرار می گیرد. عملکرد حساب خدمات و درآمد بخش دوم ارائه می گردد. در بخش سوم تراز حساب جاری مورد بررسی قرار می گیرد. همچنین بخش چهارم، حساب مالی و سرمایه را تحلیل می نماید و بخش پنجم، به رقابت پذیری و بخش ششم نیز به جمع بندی و نتایج کلی می پردازد.

۲. عملکرد بازرگانی خارجی

ساختار اقتصادی و نهادی داخل کشور و وضعیت شرکای تجاری در میزان مبادلات نقش مؤثری دارند. ساختار نهادی از طریق تنظیم قوانین و مقررات تسهیل کننده تجارت و ساختار اقتصادی از طریق تغییر توان کشور در تولید و عرضه طیف وسیعی از کالاهای قابل رقابت با استانداردهای بین المللی نقش تعیین کننده بر حجم تجارت دارند. همچنین عوامل برونزا مانند وضعیت اقتصادی و سیاسی شرکای تجاری اعم از سطح درآمد و سطح قیمت های نسبی در میزان تقاضای واردات آنها از کشور، در نتیجه بر حجم تجارت آنها مؤثر است. در سال ۱۳۸۷ سیاست های تجاری و ارزی سال های گذشته با هدف تشویق صادرات تداوم داشت.

در ادامه این بخش عملکرد صادرات گمرکی، صادرات بخش نفت، واردات و روند ارزش واحد کالاهای صادراتی و وارداتی و رابطه مبادله تحلیل می شود.

۲-۱. صادرات غیرنفتی

باطبقه بندی اقلام صادراتی بر اساس کدهای تعرفه به سه گروه اصلی کالاهای سنتی و کشاورزی، کلوخه کانی و فلزی و کالاهای صنعتی، تحلیل میزان تغییرات ارزش کل صادرات گمرکی بر اساس گروه کالاهاروشن تر خواهد شد.

بر اساس آمارهای مقدماتی منتشر شده از سوی گمرک، در سال ۱۳۸۷ حدود ۳۲۹۱۴ هزار تن کالا به ارزش ۱۸۱۴۶ میلیون دلار به خارج از کشور صادر شده که نسبت به عملکرد سال قبل به ترتیب ۱۸/۵ و ۲/۵ درصد افزایش در ارزش و وزن نشان می دهد.

از نظر ارزش، گروه کالاهای صنعتی با ۱۴۳۱۲ میلیون دلار، بیشترین ارزش صادرات گمرکی را به خود اختصاص داده اند و پس از آن گروه کالاهای سنتی و کشاورزی با ۳۰۶۰ میلیون دلار در رتبه دوم قرار دارد. سهم گروه های مذکور از کل ارزش کالاهای صادراتی غیرنفتی به ترتیب ۷۸/۹ و ۱۶/۹ درصد می باشد.

بخش عمده اقلام تشکیل دهنده گروه کالاهای صنعتی صادراتی، مشتقات نفتی می باشند. بالاتر بودن میانگین بهای نفت خام در سال مورد بررسی در مقایسه با سال ۱۳۸۶ و در نتیجه ارزش واحد مشتقات نفتی موجب شد تا ارزش صادرات مواد شیمیایی و پتروشیمی (فراورده های حاصل از نفت و گاز، محصولات شیمیایی آلی و غیر آلی) در مقایسه با مقدار متناظر سال قبل با ۴۴/۵ درصد تغییر به ۷۶۵ میلیون دلار افزایش یابد. این کالاهای بیشترین ارزش صادرات غیرنفتی در گروه کالاهای صنعتی را به خود اختصاص داده اند. کالاهای مذکور ۲۳/۲ درصد از ارزش صادرات غیرنفتی گمرکی را تشکیل داده اند.

از نظر وزن نیز گروه کالاهای صنعتی و گروه کلوخه های کانی فلزی به ترتیب با ۷۱/۵ درصد

(۲۳۵۴۰ هزار تن) و ۱۹/۲ درصد (۶۳۲۰ هزار تن) بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. به لحاظ وزنی در گروه کالاهای صنعتی، «فرآورده‌های حاصل از نفت و گاز» با ۶۳۱۹ هزار تن و گروه «محصولات شیمیایی آلی» با ۵۶۷۱ هزار تن به ترتیب ۱۹/۲ و ۱۷/۲ درصد از وزن صادرات غیرنفتی را تشکیل داده‌اند.

۲-۲. صادرات بخش نفت

سهم مسلط بخش نفت در اقتصاد، موجب آسیب پذیری شدید کشور از محل درآمدهای ارزی شده است. طی سال ۱۳۸۷ بهای جهانی نفت خام با نوسان شدید همراه بود. روند افزایش قیمت نفت که از سال ۱۳۸۶ آغاز شده بود تا تیرماه سال ۱۳۸۷ به شدت ادامه یافت و متوسط ماهانه بهای هر بشکه نفت خام در تیرماه ۱۳۸۷ رکورد بی سابقه ۱۲۶ دلار را به ثبت رساند. اما از مردادماه سال مذکور قیمت نفت آهنگ نزولی را در پیش گرفت و در دی ماه به ۳۶ دلار (کمترین قیمت در سال مورد بررسی) کاهش یافت.

برآیند نوسان‌های مزبور موجب شد تا بهای هر بشکه نفت

خام در سال ۱۳۸۷ به حدود ۷۹/۷ دلار برسد که

۶/۳ درصد بالاتر از مقدار مشابه سال قبل

بود. علی‌رغم بالاتر بودن متوسط قیمت

هر بشکه نفت خام در سال ۱۳۸۷ در

مقایسه با سال قبل کل ارزش

صادرات بخش نفت و گاز شامل

نفت خام، میعانات گازی،

فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی با

رشد حدود ۰/۴ نسبت به سال قبل،

به ۱۱۸۵۵ میلیون دلار بالغ گردید.

۲-۳. واردات

به استناد آمار مقدماتی گمرک، در سال ۱۳۸۷

حدود ۴۳۹۸۴ هزار تن کالا به ارزش ۵۵۸۴۹ میلیون دلار از مبادی گمرکی وارد کشور شده است که نسبت

به سال قبل، به لحاظ وزن ۵/۵ درصد و به لحاظ ارزش ۱۵/۳ درصد افزایش نشان می‌دهد. میان گروه

کالایی «ماشین‌آلات و لوازم حمل و نقل» در حدود ۳۳/۹ درصد (با هزینه‌ای بالغ بر ۱۸۹۵۰ میلیون دلار)

از ارزش واردات گمرکی در سال ۱۳۸۷ را به خود اختصاص داده است و بین اقلام وارداتی، آهن و فولاد با

۹۲۷۷ میلیون دلار و ماشین‌آلات غیرالکترونیکی با ۹۱۲۴ میلیون دلار بیشترین ارزش واردات را به خود

اختصاص داده‌اند که این کالاها به ترتیب ۱۶/۶ و ۱۶/۳ درصد از ارزش واردات گمرکی را در بر می‌گیرند. به

لحاظ وزنی نیز غلات و فرآورده‌های آن با اختصاص ۱۱۹۶۰ هزار تن (۲۷/۲ درصد) و آهن آلات و فولاد

با ۹۹۹۳ هزار تن (۲۲/۷ درصد) بیشترین سهم را در وزن واردات گمرکی داشته است.

۲-۴. واردات گروه کالایی

روند واردات اقلام مختلف کالا به داخل کشور از موضوعاتی است که همواره مورد توجه سیاستگذاران

اقتصادی کشور قرار داشته است. مجموعه سیاست‌های تجاری و ارزی کشور در این خصوص نقش

تعیین‌کننده‌ای دارند. به عبارت دیگر ضروری است واردات اقلام مختلف بر اساس اولویت‌های توسعه

کشور، سازماندهی شوند.

بر اساس سهم واردات کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای از کل واردات گمرکی طی سال‌های

۱۳۸۳ لغایت ۱۳۸۷، بالاترین سهم واردات در این دوره به کالاهای واسطه‌ای اختصاص داشته است. این امر نشان دهنده وابستگی تولیدات داخلی به واردات از خارج کشور و در نتیجه آسیب پذیری بالای اقتصاد ملی از ناحیه تورم وارداتی می باشد.

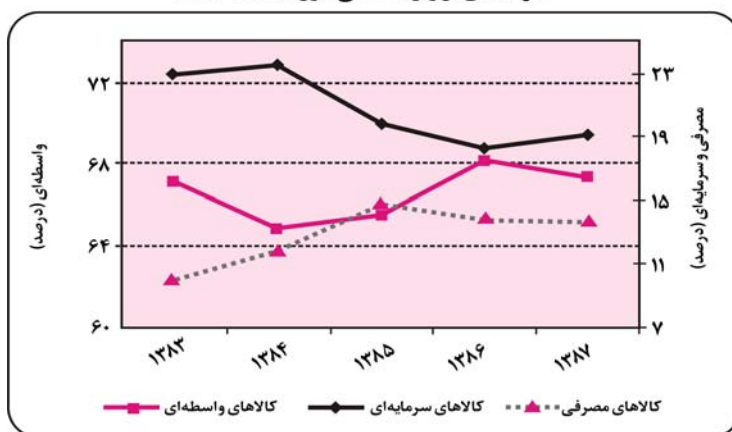
پس از آن کالاهای سرمایه‌ای در سال‌های مورد بررسی سهم بالایی از واردات را به خود اختصاص داده است. با وجود این، حداکثرسازی رشد بلند مدت اقتصادی مستلزم توجه جدی به تغییر ترکیب واردات به سمت افزایش سهم کالاهای سرمایه‌ای می باشد که لازم است در تصمیم‌گیری‌های مقامات اقتصادی، مدنظر قرار گیرد.

جدول (۱) سهم کالاهای واسطه‌ای، سرمایه‌ای و مصرفی (درصد)

کالا	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷
مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای	۶۷/۱	۶۴/۸	۶۵/۵	۶۸/۱	۶۷/۳
کالاهای سرمایه‌ای	۲۲/۹	۲۳/۵	۱۹/۷	۱۸/۲	۱۹/۱
کالاهای مصرفی	۱۰/۰	۱۱/۷	۱۴/۸	۱۳/۷	۱۳/۶
کالاهای طبقه‌بندی نشده	-	-	-	-	۱/۰
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار (۱) سهم واردات کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای از واردات طی دوره (۱۳۸۳-۱۳۸۷)



۵-۲. رابطه مبادله بازرگانی خارجی کشور

رابطه مبادله به عنوان شاخص ارزیابی میزان برخورداری کشور از منافع تجاری در تحلیل‌های اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر اساس فرضیه پریچ - سینگر به طور معمول قیمت نسبی مواد اولیه در مقایسه با کالاهای صنعتی روند نزولی دارد. شکاف درآمد سرانه بین کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه نقش مهمی را در میزان انتفاع کشورهای صنعتی از تجارت ایفا می‌کند. در فرآیند تجارت بین الملل کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند به دلیل سرعت کمتر در پیشرفت‌های تکنولوژی در مقایسه با کشورهای صنعتی از مزیت نسبی در تولید کالا بهره‌مند شوند.

این تحلیل بر اساس سه عامل به شرح زیر است: اول اینکه کشورهای در حال توسعه اغلب در تولید

و صادرات مواد اولیه متخصص شدند؛ دوم، پیشرفت‌های فنی بیشتر در کشورهای صنعتی متمرکز شده است و سوم، قیمت‌های نسبی مواد اولیه بر حسب کالاهای صنعتی بعد از قرن نوزدهم به صورت یکنواختی کاهش یافته است. همه این عوامل موجب شده تا به دلیل متخصص شدن کشورهای در حال توسعه در صادرات مواد اولیه از پیشرفت تکنولوژی به صورت مستقیم به واسطه بهره‌وری بالاتر یا به صورت غیرمستقیم از طریق بهبود رابطه مبادله کمتر بهره مند شوند (کدینگتن^۲ و همکاران، ۲۰۰۲: ۲).

افزایش ارزش واحد کالاهای صادراتی در برابر ارزش واحد کالاهای وارداتی نشان دهنده میزان بهره‌مندی کشور از منافع تجارت و افزایش قدرت خرید کالاهای صادراتی در مقایسه با کالاهای وارداتی است. بالا بودن کشتی قیمتی محصولات کشاورزی و معدنی و پایین بودن کشتی قیمتی کالاهای وارداتی کشور (که عمدتاً کالاهای صنعتی و با سطح تکنولوژی بالای تولید را تشکیل می‌دهند) زمینه مناسبی را برای انتقال تورم ناشی از افزایش قیمت‌های جهانی نفت از سوی کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه مانند ایران، فراهم آورده است.

در میان اقلام صادراتی سهم کالاهای صنعتی به ویژه مواد شیمیایی و پتروشیمی در صادرات گمرکی ایران به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. این افزایش، زمینه تعدیل کشتی قیمتی کالاهای صادراتی کشور را تا حدودی فراهم آورده است. افزایش ارزش واحد اقلام عمده صادراتی مانند فرآورده‌های حاصل از نفت و گاز، محصولات شیمیایی آلی و غیرآلی و چدن، آهن، فولاد و مصنوعات آن تأیید کننده روند فوق می‌باشند. بیشترین و کمترین افزایش ارزش واحد اقلام عمده صادراتی به ترتیب محصولات شیمیایی غیرآلی و فرآورده‌های حاصل از نفت و گاز بود.

جدول (۲) ارزش واحد اقلام عمده کالاهای صادراتی (تن - دلار)

کالا	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	درصد تغییرات ۱۳۸۷-۱۳۸۳
فرآورده‌های حاصل از نفت و گاز	۲۵۷	۳۵۵	۴۵۵	۵۰۸	۵۹۹	۱۷/۹
محصولات شیمیایی آلی	۴۳۸	۴۱۴	۳۳۵	۴۷۰	۵۴۷	۱۶/۴
محصولات شیمیایی غیرآلی	۹۵	۱۷۳	۱۹۶	۲۲۸	۳۶۱	۵۸/۳
مواد شیمیایی و پتروشیمی*	۲۴۱	۳۴۲	۳۸۲	۴۴۳	۵۴۳	۲۲/۶
چدن، آهن، فولاد و مصنوعات آنها	۵۰۰	۴۳۹	۴۵۹	۶۱۱	۷۸۱	۲۷/۸

* مواد شیمیایی و پتروشیمی شامل فرآورده‌های حاصل از نفت و گاز، محصولات شیمیایی آلی و محصولات شیمیایی غیرآلی می‌باشند.
منبع: محاسبات محقق بر اساس آمار مقدماتی گمرک جمهوری اسلامی ایران

ارزش واحد اقلام عمده وارداتی مانند ماشین‌آلات غیرالکتریکی، آهن و فولاد، غلات و فرآورده‌های آن در سال ۱۳۸۷ با وجود اوضاع نابسامان اقتصاد جهانی و کاهش تورم جهانی افزایش یافت. اگرچه سیاست‌های ارزی سال‌های اخیر به دلیل عدم تعدیل متناسب نرخ ارز با شکاف تورم داخلی و خارجی باعث کاهش قدرت رقابت پذیری کالاهای صادراتی کشور شده است، لیکن در سال مورد بررسی ارزش واحد کالاهای صادراتی در مقایسه با ارزش واحد کالاهای وارداتی بیشتر افزایش یافته و منجر به بهبود نسبی رابطه مبادله گمرکی شده است.^۴

۲-۶. حساب خدمات و درآمد

در سال ۱۳۸۷ حساب خدمات خارجی کشور با ۱۰۳۰۷ میلیون دلار کسری مواجه بود که در مقایسه با سال گذشته (۸۴۲۹ میلیون دلار کسری) به میزان ۲۲/۳ درصد بر کسری حساب مذکور افزوده شد.

جدول (۳) ارزش واحد اقلام عمده کالاهای وارداتی

(تن - دلار)

کالا	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	درصد تغییرات ۱۳۸۷-۱۳۸۶
آهن و فولاد	۵۵۶	۶۷۶	۶۶۵	۷۴۰	۹۲۸	۲۵/۵
ماشین آلات غیرالکتریکی	۹۷۱۰	۹۲۴۴	۹۲۹۷	۸۶۰۵	۹۱۲۵	۶۱۰
غلات و فرآورده های آن	۲۱۰	۲۰۳	۲۱۰	۲۹۰	۳۶۸	۲۷/۱

منبع: محاسبات محقق بر اساس آمار مقدماتی گمرک جمهوری اسلامی ایران

بخش عمده دریافت های خدمات ناشی از اقلام مربوط به حمل و نقل، مسافرت و خدمات ساختمانی به ترتیب ۳۴۹۷، ۱۹۰۸ و ۱۳۳۰ میلیون دلار می باشد. در قسمت پرداخت ها، مسافرت، حمل و نقل و خدمات ساختمانی به ترتیب با ۸۶۸۵، ۴۰۹۵ و ۲۲۵۱ میلیون دلار بیشترین سهم را در پرداخت های خدماتی داشته اند. درآمد سرمایه گذاری و هزینه سرمایه گذاری به ترتیب با ۲۷۴۱ و ۱۶۶۱ میلیون دلار از اقلام عمده تشکیل دهنده حساب درآمد هستند. برآیند عملکرد حساب خدمات و درآمد موجب ثبت ۸۸۳۷ میلیون دلار کسری این حساب شد.

۳. حساب جاری

پوشش آماری بخش مبادلات بازرگانی خارجی جدول تراز پرداخت های کشور فراتر از مبادلات بازرگانی گمرکی می باشد. بر اساس دستورالعمل پردازش جدول تراز پرداخت های صندوق بین المللی پول، کلیه مبادلات اعم از کالا و خدمت که بین مقیم و غیرمقیم به صورت گمرکی و غیرگمرکی انجام می شود، می بایست در این بخش ثبت شود. لذا ارقام صادرات و واردات گمرکی با ارقام صادرات و واردات تراز پرداخت ها (گمرکی و غیرگمرکی) تفاوت دارد. این تفاوت علاوه بر صادرات نفت از مبادلات غیرگمرکی مانند واردات و صادرات برق، گاز، کشتی و نفتکش ها، تحویل کالا و سوخت به بخش حمل و نقل، تعمیر و وسایل حمل و نقل داخلی (خارجی) در خارج (در داخل) کشور، قاچاق و سایر مبادلات غیرگمرکی ناشی شده است.

جدول (۴) رابطه مبادله بازرگانی (بر اساس مبادلات گمرکی)

(تن - دلار)

کالا	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	درصد تغییرات ۱۳۸۷-۱۳۸۶
قیمت واحد کالاهای صادراتی	۴۰۴	۴۱۹	۴۶۸	۴۷۷	۵۵۱	۱۵/۶
قیمت واحد کالاهای وارداتی	۱۰۸۹	۱۱۰۷	۹۵۹	۱۱۶۲	۱۲۷۰	۹/۳
رابطه مبادله	۰/۳۷	۰/۳۸	۰/۴۳	۰/۴۱	۰/۴۳	۴/۹

منبع: محاسبات محقق بر اساس آمار مقدماتی گمرک جمهوری اسلامی ایران

با احتساب کلیه مبادلات گمرکی و غیرگمرکی تراز کالایی (تراز بازرگانی) کشور از ۳۲۰۳۹ میلیون دلار مازاد بر خوردار شد که حدود ۷/۳ میلیارد دلار کمتر از مازاد سال گذشته بود. با احتساب خالص حساب خدمات و درآمد و حساب انتقالات، تراز حساب جاری از مازادی معادل ۲۳۹۸۷ میلیون دلار بر خوردار شد. با توجه به سهم مسلط نفت در صادرات کشور (۸۱/۴ درصد) با خارج کردن صادرات این بخش از کل صادرات، تراز حساب جاری غیرنفتی با ۵۷۸۶۷ میلیون دلار کسری مواجه می شود که ۱۸/۱ درصد

بیشتر از کسری سال قبل بود.

۴. حساب مالی و سرمایه

در حساب سرمایه و مالی جدول تراز پرداخت‌ها، خالص مبادلات مالی کشور با سایر اقتصادها ثبت می‌شود. حساب مذکور در سال ۱۳۸۷ بر اساس ارقام مقدماتی با ۹۵۹۶ میلیون دلار کسری مواجه بود. تفسیر خالص حساب سرمایه و مالی بایستی با نهایت دقت انجام شود. کسری این حساب لزوماً به مفهوم خروج سرمایه از کشور نیست. اجزای تشکیل دهنده حساب سرمایه و مالی تحت سرفصل‌های بلندمدت و کوتاه مدت طبقه بندی می‌شوند. کسری بلندمدت این حساب عمدتاً ناشی از افزایش بازپرداخت بدهی‌های خارجی، خالص بازپرداخت قراردادهای بیع متقابل (بخش نفت و گاز) و خالص سرمایه گذاری خارجی انجام شده در کشور می‌باشد. بخش کوتاه مدت نیز شامل تغییرات اعتبارات اسنادی، اعتبارات تجاری صادراتی (عمدتاً مربوط به بخش نفت و گاز و اعتبارات تجاری مناطق آزاد) و افزایش دارایی‌های خارجی بانک‌ها می‌باشد که کسری کوتاه مدت به تنهایی حدود ۶۱/۸ درصد از کسری حساب سرمایه و مالی را تشکیل می‌دهد.

برآیند مازاد حساب جاری و کسری حساب سرمایه و مالی به علاوه اشتباهات آماری موجب شد تا معادل ۸۲۲۹ میلیون دلار بر ذخایر ارزی کشور افزوده شود که ۴۶ درصد کمتر از افزایش ذخایر در سال ۱۳۸۶ بود.

۵. رقابت پذیری

رقابت پذیری یک مفهوم کلیدی در ارزیابی عملکرد اقتصاد کلان و پایداری سیاست‌های هر کشور است. رقابت پذیری اقتصاد کشورها به طور متداول با تحلیل سطح نرخ ارز واقعی انجام می‌شود. اما تحلیل‌های نرخ ارز واقعی هم بادامنه‌ای از موانع مفهومی و روش‌شناسی همراه است. این موانع بیشتر در داده‌ها و شکست‌های عظیم ساختاری وجود دارند که معمولاً در کشورهای با درآمد پایین عمیق‌تر است و به طور قابل ملاحظه‌ای موجب تضعیف نتایج و تحلیل‌ها می‌شود.

به طور کلی ارائه تعریف دقیق از رقابت پذیری مشکل است. رقابت پذیری یا مزیت رقابتی مفاهیمی هستند که بجای مزیت نسبی استفاده شده‌اند و اغلب به ارزیابی ناترازی نرخ واقعی ارز خلاصه می‌شود. ناترازی نرخ ارز واقعی شامل مفاهیم کلیدی رقابت پذیری کلی کشور است که بایستی بادامنه‌ای وسیع‌تر از معیارهای قیمت نسبی، محصولات بخش خارجی، هزینه‌های تولید و معیارهایی از کیفیت نهادی تکمیل شده باشد.

رقابت پذیری را می‌توان به صورت ساده توانایی یک کشور در تولید کالاها و خدمات در سطح استانداردهای کیفی بین‌المللی مقرون به صرفه‌تر از سایر کشورها تعریف کرد. تعریف مذکور مبنای گسترده از رقابت پذیری است که شامل شاخص‌های کلان، خرد و نهادی می‌شود. از فواید تعریف مذکور قابلیت به کارگیری آن در هر کشور با الگوی استاندارد و همچنین وجود قابلیت مقایسه بین کشورهای و بین زمانی است. به لحاظ سیاستی نیز یک دیدگاه جامع از ابعاد مختلف رقابت پذیری به سیاستگذار ارائه می‌دهد که در طراحی بسته سیاستی با هدف ارتقای رقابت پذیری کمک می‌کند (بلا و همکاران، ۲۰۰۷: ۱-۵).

در ادامه دو شاخص ساده بررسی می‌گردد که در تحلیل رقابت پذیری استفاده می‌شود.

۱-۵. سهم صادرات از کل صادرات جهان

سهم صادرات کشور از کل صادرات جهان یکی از معیارهای ارزیابی رقابت پذیری کشور می‌باشد. افزایش سهم صادرات از کل صادرات جهان نشان دهنده بهبود قدرت رقابت کالاها با کالاهای مشابه

خارجی است.

از آنجا که بخش نفت به عنوان بخش مسلط در صادرات کشور می باشد، با خارج کردن بخش نفت تلاش شده است تا توان رقابتی کشور در تولید محصولات غیر از منابع طبیعی مانند نفت مورد ارزیابی قرار گیرد. به منظور مقایسه سهم صادرات کشور با صادرات جهان، با استفاده از آمار ماهانه صادرات گمرکی، ارزش صادرات گمرکی متناظر با سال میلادی محاسبه شد. سپس روند سهم صادرات گمرکی از صادرات جهان استخراج شد. سهم صادرات کشور از کل صادرات جهان علی رغم افزایش صادرات غیرنفتی کشور از ۰/۱ درصد فراتر نرفته است.

جدول (۵) سهم صادرات ایران از کل صادرات جهان

(درصد)					
صادرات	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸
۱- صادرات جهان (میلیارد دلار)	۹۱۲۶	۱۰۴۵۰	۱۲۱۲۴	۱۳۸۲۱	۱۵۷۴۴
۲- صادرات غیرنفتی گمرکی (میلیارد دلار)	۶/۹	۹/۰	۱۳/۰	۱۴/۵	۱۷/۹
سهم (%)	۸	۹	۱۱	۱۰	۱۱

منبع: International Financial Statistics, June 2009، گمرک جمهوری اسلامی ایران

۶. نرخ ارز واقعی

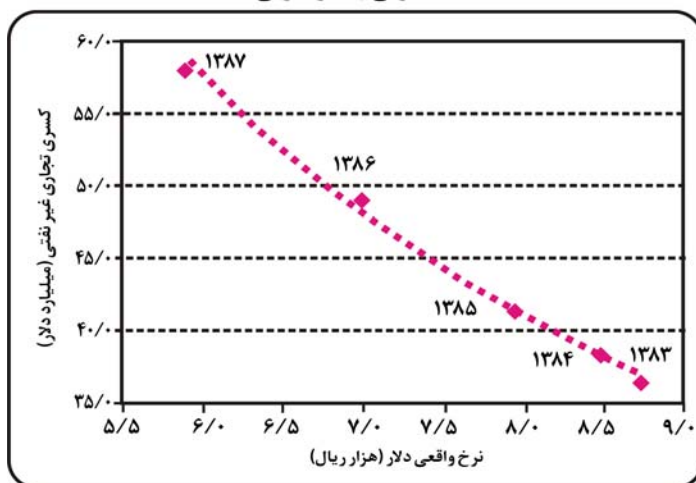
نرخ ارز واقعی یکی از شاخص های رقابت پذیری است. افزایش ارزش واقعی ریال به واسطه افزایش عوامل بنیادی مانند بهره وری موجب افزایش رقابت پذیری خواهد شد. طی سال های ۱۳۸۳ لغایت ۱۳۸۷ ارزش واقعی دلار و یورو علی رغم افزایش نرخ اسمی کاهش یافت. کاهش ارزش واقعی دلار و یورو در برابر ریال به دلیل اختلاف شتاب تورم داخلی و خارجی (حوزه انتشار دهنده ارز) می باشند. همزمان با تقویت ارزش واقعی ریال در برابر دلار و یورو کسری تجاری غیرنفتی افزایش یافته است. شتاب تورم داخلی و ثبات نسبی نرخ ارز زمینه افزایش واردات کشور و در نتیجه افزایش کسری تجاری را فراهم کرده است. اگرچه در سال های اخیر صادرات غیرنفتی روند رو به رشدی را سپری نموده اما شتاب بیشتر واردات موجب تشدید کسری تجاری غیرنفتی شده است که این موضوع ضرورت توجه سیاستگذاران اقتصادی برای تدوین برنامه جامع و دقیق در تنوع بخشی به سبده صادراتی کشور و کنترل حجم واردات را مشخص می کند.

جدول (۶) نرخ واقعی* دلار و یورو و کسری تجاری غیرنفتی (۱۳۸۳-۱۳۸۷)

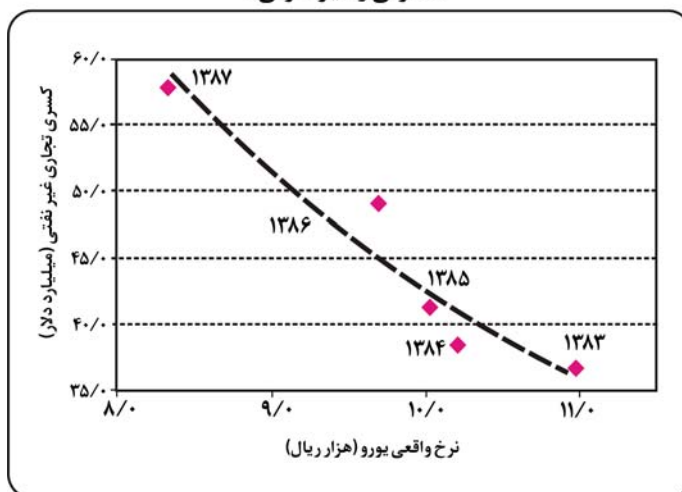
نرخ	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷
نرخ واقعی دلار (هزار ریال)	۸/۷	۸/۵	۷/۹	۷/۰	۵/۹
نرخ واقعی یورو (هزار ریال)	۱۱/۰	۱۰/۲	۱۰/۰	۹/۷	۸/۳
کسری تجاری غیرنفتی (میلیارد دلار)	۳۱/۲	۳۲/۷	۳۵/۸	۴۲/۱	۴۹/۸

منبع: محاسبات محقق بر اساس آمار مقدماتی گمرک جمهوری اسلامی ایران
* نرخ ارز واقعی از حاصل ضرب نرخ برابری ارز (دلار یا یورو) در برابر ریال در نسبت شاخص قیمت مصرف کننده حوزه انتشار دهنده ارز (آمریکا یا منطقه اروپا) به شاخص قیمت مصرف کننده ایران به دست آمده است.

نمودار (۲) نرخ واقعی دلار با ریال و کسری تجاری غیر نفتی (گمرکی و غیرگمرکی)



نمودار (۳) نرخ واقعی یورو در برابر ریال و کسری تجاری غیر نفتی (گمرکی و غیرگمرکی)



۷. جمع بندی و نتیجه گیری

در سال ۱۳۸۷ – علی رغم گسترش بحران مالی جهان، فرورفتن اقتصادهای برتر جهان در رکود و کاهش بهای نفت خام در نیمه دوم سال – اقتصاد ایران در نتیجه افزایش شدید بهای نفت خام در نیمه اول سال، بالاتر بودن متوسط بهای هر بشکه نفت خام و روند صعودی صادرات غیرنفتی، از رشد مثبتی برخوردار شد. تراز بازرگانی کشور با احتساب صادرات بخش نفت و گاز با مازاد ۳۲۰۳۹ میلیون دلار مواجه شد.

با احتساب کسری حساب خدمات و درآمد و مازاد تراز انتقالات، حساب جاری کشور از مازادی معادل ۲۳۹۸۷ میلیون دلار برخوردار شد. حساب سرمایه و مالی کشور در نتیجه کسری بلندمدت و کوتاه مدت حساب با ۹۲۸۵ میلیون دلار کسری مواجه شد. برآیند عملکرد حساب جاری، حساب سرمایه و مالی با احتساب اشتباهات آماری در سال مورد بررسی، ذخایر ارزی کشور معادل ۸۲۲۹ میلیون افزایش یافت که حدود ۷۰٪ میلیارد دلار کمتر از رقم مشابه در سال ۱۳۸۶ بود.

عدم تخلیه شکاف تورم داخلی و تورم حوزه انتشار دهنده ارزها تعدیل جزئی ارزش خارجی ریال موجب تقویت ارزش واقعی ریال در برابر دلار و یورو شد. همزمان با افزایش ارزش واقعی ریال، علی رغم

رشد صادرات غیرنفتی سهم صادرات گمرکی از صادرات جهان تقریباً ثابت ماند و شتاب بیشتر واردات موجب افزایش کسری تجاری غیرنفتی شد. تحولات مزبور حاکی از عدم تغییر محسوس در قدرت رقابت کالاهای داخلی با کالاهای مشابه خارجی است. اگرچه در سال ۱۳۸۷ ارزش واحد کالاهای صادراتی و وارداتی افزایش یافت اما افزایش بیشتر ارزش واحد کالاهای صادراتی موجب بهبود رابطه مبادله گمرکی شد. لیکن این افزایش عمدتاً به دلیل افزایش بهای نفت خام و در نتیجه افزایش بهای مشتقات نفتی بود. لذا به منظور بهبود تراز تجاری غیرنفتی کشور و افزایش قدرت رقابت کالاهای داخلی با کالاهای مشابه خارجی، تدوین برنامه‌های جامع تنوع بخشی به کالاهای صادراتی در سطح استانداردهای جهانی و کنترل حجم واردات می‌بایست از اولویت‌های سیاستگذاران اقتصادی کشور قرار گیرد.

پانوشته‌ها:

۱- این مقاله شرح تفصیلی عملکرد بخش خارجی اقتصاد کشور است که خلاصه آن در گزارش «تحولات اقتصادی سال ۱۳۸۷» بانک مرکزی آمده است.

* محقق دایره موازنه پرداخت‌ها، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا.

2-Prebisch -Singer

3-Cuddington.

۴- رابطه مبادله محاسبه شده شامل بخش نفت و گاز و فرآورده‌های آن نمی‌باشد.

5-Bella.

منابع و مأخذ

— فارسی:

- ۱- اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۸). خلاصه تحولات اقتصادی کشور ۱۳۸۷. تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی.
- ۲- گمرک جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۷). عملکرد بخش بازرگانی خارجی. تهران: گمرک جمهوری اسلامی ایران.

— انگلیسی:

- 1-Eyraud, Luc. (2009). Madagascar: A Competitiveness and Exchange Rate Assesmen. *I.M.F Working Paper* , 107 from <http://www.imf.org>.
- 2-Bella, Di Gabriel., Lewis, Mark & Aurélie Martin .(2007). Competitiveness and Real Exchange Rate Misalignment in Low-Income Countries. *I.M.F Working Paper*, 201 from <http://www.imf.org>.
- 3-Cuddington, John, T., Ludema, Rodney and etal. (2002). *Prebisch-Singer Redux*. Georgetown: Georgetown University.